

تابستانه ی ۳

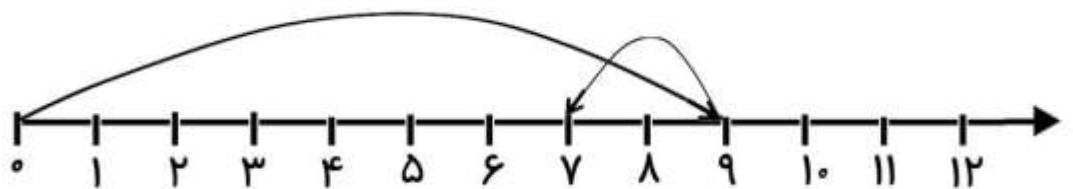
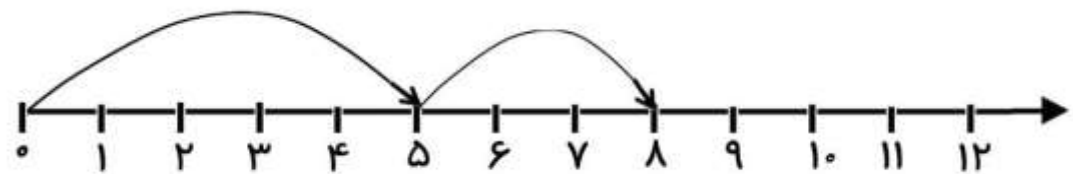
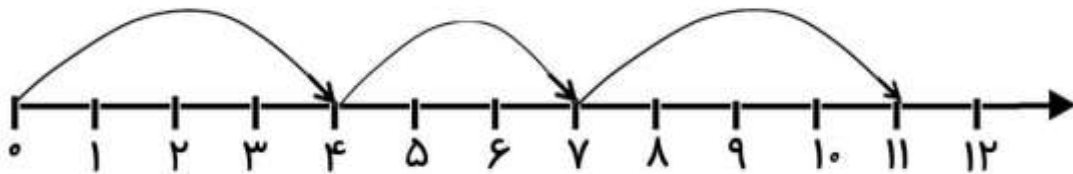
سلام بر پسرهای با سواد من

از تابستان زیبا لذت می بری ؟ برای انجام فعالیت های تابستانه ی ۳ آماده ای ؟ پس با شادی دست به کار شو:

امروز از درس شیرین ریاضی کار را شروع می کنیم.

۱- محورهای زیر را در دفتر تابستانه بکش و برای هر کدام یک مسئله بنویس ، برای مسئله ها راه حل بنویس و چوب خط بکش .

(جلو نویسی یادت نرود)



۲ - از عدد ۱ تا ۴۰ را ۲ تا ۲ تا در دفترت بنویس .



۳ - با شنیدن کلمات زیر یاد کدام یک از درس های کتاب فارسی می افتی ؟

راه پیمایی - وطن - انقلاب - دهه ی فجر :

منقار - آبگیر - پرنده - مثل :

آمنه - مبعث - کوه - فرشته ای :

نام هر درس را بنویس ، از روی آن ها یک بار بخوان و از پدر یا مادرت خواهش کن تا از کلمات این ۳ درس برایت املا بگویند .

یک املاي ديگر هم در اين هفته بنویس .

می کاری را یادت هست ؟

گفته بودیم که اگر کلمه ای نشان دهنده ی انجام کاری باشد و می داشته باشد باید این (می) را بنویسیم . این سه درس بالا را یک بار دیگر بخوان و کلمه هایی که می کاری دارند را پیدا کن و بنویس .

۴ - از درس در بازار تا پایان کتاب دنبال کلماتی که تشدید دارند بگرد ؛ آن ها را پیدا کن و در دفترت بنویس .

۵ - داستان (کشک چی ؟ پشم چی ؟) را خواندی ؟

کشک چی ؟ پشم چی ؟

روزی بود . روزگاری بود . گوسفند داری بود که خیلی خسیس بود و برای چراندن گوسفندانش حاضر نبود که به چوپان پول بدهد . او هر روز صبح ، گوسفندانش را از آغل بیرون می آورد و برای چریدن به صحرا می برد .

هر چه دیگران به او می گفتند که چوپانی استخدام کن و خودت به کار های دیگر برس ، قبول نمی کرد و می گفت : « خودم بهتر از هر چوپانی می توانم مواظب گوسفند هایم باشم » .

یک روز که با گوسفند هایش به صحرا رفته بود . هوا ابری شد ؛ ناگهان باد شدیدی وزید و باران تندی بارید و سیل راه افتاد . گله دار نمی دانست چه کند ، گوسفند ها هر کدام به طرفی رفتند و خود او هم از ترس سیل ، به

روی شاخه های درختی رفت.

بالای درخت سر به آسمان بلند کرد و گفت :

«خدایا من و گوسفندانم را از این باد و باران نجات بده ، نذر می کنم که نصف گوسفند هایم را به فقرا و بیچارگان بدهم.»

هوا ، هوای بهاری بود . چند لحظه گذشت ، کم کم از شدت باد و باران کاسته شد .



گلّه دار همان طور که بالای درخت نشسته بود گفت : «خدایا خودت می دانی که فقیر بیچاره ها بلد نیستند از گوسفند ها مراقبت کنند .

من آن ها را خودم نگه می دارم و در عوض هر چه پشم و کشک از گوسفند ها به دست آمد ، در راه تو به فقرا می دهم.»

هوا داشت بهتر می شد و گلّه دار از این که چنان نذر بزرگی کرده ، پشیمان بود . او ، این بار رو به سوی آسمان کرد و گفت : «خدایا ، آدم فقیر و بیچاره پشم به چه دردش می خورد ؟ بیچاره آه ندارد با ناله سودا کند . همان بهتر که کشک به فقرا بدهم تا شکمی از عزا در آورند.»

هوا دوباره آفتابی شد که گلّه دار از درخت پایین آمد .

گوسفند های پراکنده اش را جمع کردو تصمیم گرفت به خانه اش برگردد .

این بار سرش را هم رو به آسمان بلند نکرد . با خود گفت : فقیر بیچاره ها کشک را می خواهند چه کنند . آن ها که نان ندارند . اگر نان داشتند ، می توانستند نان و کشک بخورند ؛ اما وقتی نان برای خوردن ندارند ، کشک به چه دردشان می خورد . با این فکر ها ؛ گلّه دار ، دور نذری که برای نجات خودش و گوسفندهایش کرده بود ، خط کشید و گلّه را جمع و جور کرد تا به خانه برسد .

هوا ، هوای بهاری بود ؛ ناگهان رعد و برقی در آسمان پیدا شد و باران به صورت سیل آسا شروع به باریدن کرد .



چند دقیقه که گذشت سیل راه افتاد و تا گله دار به خودش بیاید و بتواند خودش را جمع و جور کند ، دو سه گوسفند گله را سیل برد .

از آن به بعد ، هر کس بخواهد زیر قولی که داده بزند یا وجود چیزی را کامل انکار کند ، می گوید :

ای بابا، کشک چی؟ پشم چی؟

نویسنده : مصطفی رحماندوست

تصویرگر : مریم قاضی

یک بار دیگر داستان را بخوان و به سئوالات زیر در دفترت پاسخ بده :

- ۱- فکر می کنی چرا بعضی ها زیر قولشان می زنند؟
- ۲- آیا می دانی کشک را چگونه درست می کنند؟
- ۳- پشم گوسفند را چه طور می چینند و با پشم گوسفند چه چیزهایی درست می کنند؟
- ۴- اگر تو به جای چوپان بودی چه تصمیمی می گرفتی؟
- ۵- از این داستان چه چیزی یاد گرفتی؟

داستان را چند بار بخوان و صدای زیباییت موقع خواندن داستان را برایم بفرست.

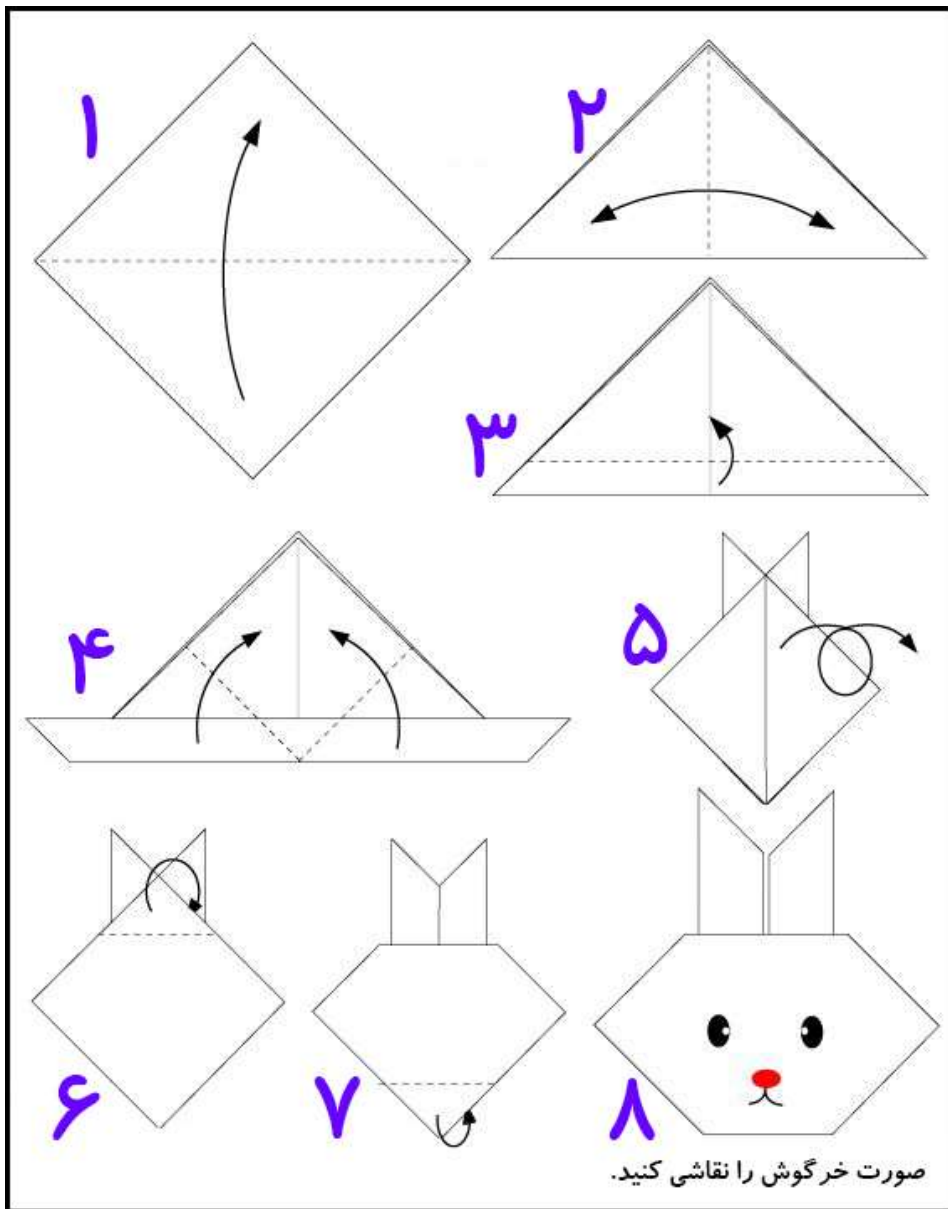
۶- به تصاویر زیر با دقت نگاه کن و نام هر ورزش را بنویس . نام ورزشی که بیشتر از همه دوست داری و قهرمان ایرانی این رشته ی ورزشی را در قسمت نظرات برایم بنویس ؛ سپس در مورد آن ورزش **اطلاعات** جمع آوری کن و در دفترت بنویس .



۷- از امشب تا دو هفته ی دیگر هر یک شب در میان، یک ساعت مشخص به آسمان نگاه کن . ماه را پیدا کن و شکل آن را در دفترت بکش . فکر می کنی چرا شکل ماه تغییر می کند ؟ در دفترت فکرت را بنویس .

۸- با کلیک کردن بر روی تصویر زیر اریگامی طرز ساخت **خرگوش** را یاد بگیر و یک خرگوش زیبا بساز . زیباترین خرگوش خود را در دفترت بچسبان و برای خرگوش زیبایت هر چیزی که دوست داری بکش .





قرار ما با شما عزیزان شنبه ی هفته ی آینده در تاریخ ۱۴ / ۴ / ۹۹ با تابستانه ی ۴

